

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کفتارهای در عدالت اجتماعی

جلد اول

دکتر عادل پیغامی

محمد صادق تراب زاده جهرمی

سید علیرضا سجادی

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین
خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا،
همکف، واحد ۳۰۲
تلفن: ۶۶۹۷۳۲۱۲
فروشگاه کتاب صادق: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: pub@isu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی:
www.press.isu.ac.ir



دانشگاه امام صادق

گفتارهایی در عدالت اجتماعی (ج ۱) ■ تألیف: دکتر عادل بیگامی، محمد صادق ترابزاده چهرمی، سید علیرضا سجادیبه
به اهتمام مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) ■ صفحه‌آرا: علی صبوری آق قلعه ■ طراح جلد: سامان قاسموس
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز رشد ■ چاپ اول (نوبت دوم): ۱۳۹۵ ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: سپیدان ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۰۷-۹

قیمت: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: بیگامی، عادل، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: گفتارهایی در عدالت اجتماعی / تألیف: عادل بیگامی،
محمدصادق ترابزاده چهرمی، سید علیرضا سجادیبه؛ به اهتمام مرکز رشد
دانشگاه امام صادق (ع).
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ج ۱: ۶۹۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۰۷-۹
شناسه افزوده: ترابزاده چهرمی، محمد صادق، ۱۳۶۶-
شناسه افزوده: سجادیبه، سید علیرضا، ۱۳۶۵-
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۵۶۷۷۴

فهرست اجمالی

❁ سخن مرکز رشد | ۲۳

❁ پیش‌گفتار | ۲۵

❁ مقدمه | ۳۳

بخش اول: تحلیل اثباتی نظریه‌های عدالت | ۴۱

بخش دوم: برابری و نیاز | ۱۵۹

❁ فصل اول: مساوات‌گرایی | ۱۶۳

❁ فصل دوم: رالز و قرارداد اجتماعی | ۱۹۵

❁ فصل سوم: مارکسیسم | ۲۴۵

❁ فصل چهارم: اصل نیاز | ۲۸۳

بخش سوم: مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه | ۳۰۱

❁ فصل پنجم: مطلوبیت‌گرایی | ۳۰۹

❁ فصل ششم: اصل پارتو | ۳۶۱

❁ فصل هفتم: نظریه خالی از حسادت | ۴۱۷

❁ فصل هشتم: اصل کارایی | ۴۳۹

بخش چهارم: قسط و شایستگی | ۴۵۳

❁ فصل نهم: نوزیک | ۴۶۱

❁ فصل دهم: نظریه‌های شایستگی | ۴۸۹

❁ فصل یازدهم: نظریه قسط ۵۳۹ |

❁ فصل دوازدهم: اصل قسط ۵۶۳ |

بخش پنجم: نظام مسائل عدالت اجتماعی و عدالت پژوهی

۶۱۳ |

فهرست تفصیلی

سخن مرکز رشد | ۲۳

پیش‌گفتار | ۲۵

ساختار کلی کتاب | ۳۰

مقدمه | ۳۳

بخش اول: تحلیل اثباتی نظریه‌های عدالت | ۴۱

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش مقدمه | ۴۳

ادراک و تحلیل اثباتی در اقتصاد | ۴۵

اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم؛ تحصیل‌گرایی) در اقتصاد | ۴۵

روش انعکاسی | ۵۱

اثبات‌گرایی در علم اقتصاد | ۵۵

اثبات‌گرایی علم اقتصاد و مسئله عدالت؛ مقدمه‌ای در حکمت نظری و عملی | ۵۶

استفاده از نظریه‌های عدالت در اثبات نظریه‌های اقتصادی | ۵۷

تمایز حکمت نظری و عملی در علوم انسانی | ۵۹

مقام و معنای ثبوتی و اثباتی عدل | ۷۱

جایگاه انصاف در عدالت غرب | ۷۳

ناظر بی‌طرف از نظر اسمیت | ۷۵

ابزارهای تحلیل در عدالت‌پژوهی | ۷۹

عدالت در اندیشه قدیم اقتصادی | ۸۴

نسبت کارایی و عدالت در اندیشه اقتصادی | ۸۵

اهداف این پژوهش | ۸۹

- تعریف و هدف تحلیل اثباتی | ۸۹
- عدالت ادراکی و عدالت ذاتی | ۹۰
- عدالت پیشینی، فرایندی و پسینی | ۹۲
- نگاه تلفیقی به مسئله عدالت | ۹۷
- گونه‌شناسی نظریه‌های عدالت | ۹۹
- نظریه کلان عدالت و روش ترکیب | ۱۱۳
- نیازمندی تحلیل اثباتی به تنوع و تکثر نظریه‌های عدالت | ۱۱۹
- وجوه عقلانی طرح پژوهشی | ۱۲۴
- عدالت، ادراک، تفسیر | ۱۲۶
- فهم از عدالت و تورش‌ها | ۱۲۷
- عدالت؛ ارزش نسبی بی‌نظم، ارزش نسبی نظام‌مند | ۱۳۱
- نظریه عدالت؛ توصیفی-محلی | ۱۳۱
- دلایل ارائه نظریه عدالت توصیفی و جهان‌شمول عدالت | ۱۳۲
- فلسفه اخلاق پوزیتیویستی | ۱۳۶
- روش تجربی | ۱۳۹
- روش‌های تجربی در عدالت‌پژوهی | ۱۳۹
- عدالت به عنوان انگیزه رفتار | ۱۴۲
- مطالعات میدانی در عدالت‌پژوهی: پیمایش، آزمایش | ۱۴۳
- روش انعکاسی (انعکاس ذهنی) | ۱۴۸
- سازمان و ساختار مقاله | ۱۵۶
- جمع‌بندی بخش اول | ۱۵۷

بخش دوم: برابری و نیاز | ۱۵۹

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش دوم | ۱۶۱

❁ فصل اول: مساوات‌گرایی | ۱۶۳

درآمدی بر مساوات‌گرایی | ۱۶۳

اصل ارزش برابر | ۱۶۹

مساوات‌گرایی از منظر کونو | ۱۸۰

جایگاه برابری در انواع تعاملات انسانی | ۱۸۲

پیوند بین نیاز و برابری | ۱۹۲

❁ فصل دوم: رالز و قرارداد اجتماعی | ۱۹۵

درآمدی بر نظریه رالز | ۱۹۵

نظریه رالز و قرارداد اجتماعی از منظر جیمز کونو | ۲۰۸

نقد پیش‌فرض‌های نظریه رالز | ۲۰۹

اصل تفاوت | ۲۱۲

جایگاه برابری در اصول رالز | ۲۲۱

بی‌طرفی در نظریه رالز | ۲۲۴

تحلیلی بر برابری در نظریه رالز | ۲۲۶

تعادل تنظیمی رالز در نظریه‌پردازی عدالت | ۲۲۹

تحلیل نظریه رالز در آزمایشات | ۲۳۰

مسئله نهاد در اصل تفاوت رالز | ۲۳۷

طبیعت (مشیت الهی) از منظر رالز | ۲۳۸

فصل سوم: مارکسیسم | ۲۴۵

کارل مارکس | ۲۴۵

اندیشه مارکس در عدالت توزیعی | ۲۵۱

آثار مارکس | ۲۵۵

آثاری درباره مارکس | ۲۵۶

نظریه عدالت مارکس از منظر جیمز کونو | ۲۵۷

زاویه دید در مدخل‌شناسی عدالت‌پژوهی | ۲۶۰

اصل توزیعی کمونیستی مارکس | ۲۶۶

تحلیل تفاسیر از مارکس | ۲۶۷

آزمایشات مؤید اصل نیاز | ۲۶۸

تحلیل جود و عدل در سطح خرد و کلان؛ عام و خاص | ۲۷۴

نسبت مسئله عدالت با توزیع و قابلیت در نگاه مارکسیستی و آمارتیاسن | ۲۷۸

فصل چهارم: اصل نیاز | ۲۸۳

تعادل در تأمین نیازهای اساسی | ۲۸۵

عدالت، نیاز اساسی و شأن اجتماعی | ۲۸۶

نظم ترتیبی در اصول عدالت | ۲۹۰

جایگاه انگیزه در نظریه عدالت | ۲۹۲

دفاع از اصل نیاز | ۲۹۷

جمع‌بندی بخش دوم | ۲۹۹

سؤالات تمرینی بخش دوم | ۲۹۹

بخش سوم: مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه | ۳۰۱

خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش سوم | ۳۰۳

فلسفه اخلاق (مضاف) و فلسفه اخلاقی (موصوف) | ۳۰۶

اقتصاد هنجاری و اخلاق نتیجه‌گرا | ۳۰۸

فصل پنجم: مطلوبیت‌گرایی | ۳۰۹

درآمدی بر مطلوبیت‌گرایی | ۳۰۹

مطلوبیت‌گرایی بن‌تھام و میل | ۳۲۴

نحوه ارزشیابی عمل اقتصادی در اقتصاد رفاه | ۳۳۲

توزیع در مطلوبیت‌گرایی | ۳۳۶

جایگاه عدالت در سناریوهای جود | ۳۴۰

نسبت‌های بین مطلوبیت کل و نهایی | ۳۴۳

لذت و مطلوبیت در مطلوبیت‌گرایی | ۳۵۰

تعارض در معیارهای عدالت | ۳۵۱

تحلیل نهایی مطلوبیت‌گرایی | ۳۵۲

تفصیل نظریه عدالت یا تربیت انسان عادل تصمیم‌گیر | ۳۵۵

فصل ششم: اصل پارتو | ۳۶۱

درآمدی بر آراء پارتو | ۳۶۱

آثاری از پارتو | ۳۶۷

آثاری درباره پارتو | ۳۶۷

نسبت اصول پارتو و مفروضات مطلوبیت‌گرایی | ۳۶۸

اصل پارتو در اقتصاد نئوکلاسیک و نظریه کینز | ۳۷۴

اصل پارتو و مفهوم تعادل | ۳۷۸

جمع‌کارایی و عدالت | ۳۷۹

مثال نقض اصل پارتو؛ محذور زندانی | ۳۸۳

عدالت فرایندی و رویه‌ای | ۳۸۶

تأیید اصل پارتو در کالای عمومی | ۳۸۷

آزمایشات چانه‌زنی و اصل پارتو | ۳۸۹

متغیرهای نسبی و تاریخی | ۳۹۵

تمایل به حداکثرسازی کل در شرایط تساوی جامعه هدف | ۳۹۹

رابطه کل و جزء؛ مسئله توازن | ۴۰۷

❁ فصل هفتم: نظریه خالی از حسادت | ۴۱۷

- رابطه پارتو و معیار خالی از حسادت | ۴۱۸
- خاستگاه نظریه خالی از حسادت | ۴۱۹
- ساده‌ترین شکل نظریه خالی از حسادت | ۴۲۰
- تعمیم معیار خالی از حسادت | ۴۲۳
- تمایز انصاف و خالی از حسادت | ۴۲۵
- تفاوت ارزش مبادلاتی و مصرفی | ۴۲۹
- جایگاه بسترها و فناوری‌های اجتماعی در تعریف نظریه عدالت | ۴۳۱
- ابهام در تعریف خالی از حسادت | ۴۳۴

❁ فصل هشتم: اصل کارایی | ۴۳۹

- تمایز کارایی پارتو از اصل کارایی به وسیله مفهوم مازاد | ۴۳۹
- تعریف کارایی به عدالت | ۴۴۱
- جایگاه محوری شاخص‌سازی و اندازه‌گیری عدالت در علوم انسانی | ۴۴۴
- مرز بین فرایند و خروجی | ۴۴۹
- جمع‌بندی بخش سوم | ۴۵۱
- سؤالات تمرینی بخش سوم | ۴۵۱

بخش چهارم: قسط و شایستگی | ۴۵۳

- خلاصه نگاه نویسنده مقاله در بخش چهارم | ۴۵۵
- نظریه‌های دسته تناسب و شایستگی | ۴۵۷
- ریشه تقسیم‌بندی نظریه‌های عدالت در گونه‌شناسی کونو | ۴۵۸
- خاستگاه نظریه قسط | ۴۵۹

❁ فصل نهم: نوزیک | ۴۶۱

- درآمدی بر نظریه نوزیک | ۴۶۱
- نظریه نوزیک از منظر جیمز کونو | ۴۷۰
- وابستگی مالکیت به انتخاب در اندیشه نوزیک | ۴۷۶
- نظریه انتساب نوزیک | ۴۷۶
- رابطه قواعد و نتایج | ۴۸۳
- نسبت نوزیک و عدالت در اندیشه دینی | ۴۸۴
- جایگاه انتخاب در نظریه نوزیک | ۴۸۶

فصل دهم: نظریه‌های شایستگی | ۴۸۹

- درآمدی بر نظریه‌های شایستگی | ۴۸۹
- نظریه بوکانون، اولین نظریه شایستگی | ۴۹۶
- مبادله در نظریه شهید صدر | ۴۹۷
- رشد در نظریه شهید مطهری و مدیریت منابع | ۴۹۹
- نسبت بوکانون با نوزیک و رالز | ۵۰۰
- مسئله اختیار و عدالت در اندیشه اسلامی | ۵۰۱
- معیارهای چهارگانه بوکانون | ۵۰۶
- نظریه دورکین و مسئله انتخاب | ۵۲۱
- شانس گزینه‌ای و شانس بداقبالی | ۵۲۳
- تفاوت در بسترهای تحقق عدالت | ۵۲۶
- عدالت و شایستگی | ۵۳۱

فصل یازدهم: نظریه قسط | ۵۳۹

- خاستگاه نظریه قسط | ۵۴۱
- ابهام در تشخیص ورودی و خروجی نظریه قسط | ۵۴۳
- ترکیب نظریه‌های عدالت | ۵۴۹
- توازن در تناسب | ۵۵۵
- نسبیت امر اخلاقی | ۵۵۵
- تفکیک نظریه‌های صوری عدالت از نظریه‌های محتوایی و ایدئولوژیک | ۵۵۶
- نسبیت ریشه تعارضات شواهد در نظریه تناسب | ۵۵۹
- خاستگاه طرح اصل قسط | ۵۶۰

فصل دوازدهم: اصل قسط | ۵۶۳

- رابطه سخت‌کوشی و موفقیت - عمل و عملکرد در اندیشه اسلامی | ۵۶۵
- اصل پاسخگویی | ۵۶۷
- نقش موجودی و تاریخ در مسئله عدالت | ۵۷۰
- نسبت حق و مفاهیم دیگر | ۵۷۳
- نقش انتساب در ایجاد حق | ۵۷۸
- متغیرهای اصل پاسخگویی | ۵۸۴
- نگاه صفر و یک یا مرتبه‌اندیش در حق و باطل | ۵۸۷
- تاریخچه قیمت عادلانه | ۵۹۳
- نقش عامل پیش‌بینی در مسئله عدالت | ۵۹۷

وابستگی عدالت به اختیار و اقدام فردی | ۶۰۵

انتخاب و تکلیف در نگاه نوزیک | ۶۰۷

جمع‌بندی بخش چهارم | ۶۱۰

سؤالات تمرینی بخش چهارم | ۶۱۱

بخش پنجم: نظام مسائل عدالت اجتماعی و عدالت

پژوهی | ۶۱۳

مباحث برنامه‌ریزی درسی عدالت‌پژوهی | ۶۱۵

نظام مسائل عدالت اجتماعی و عدالت‌پژوهی مستخرج | ۶۱۸

فهرست اشکال

- شکل ۱: توزیع درآمد برای مطالعه جیسو (۱۹۹۹) | ۱۸۹
- شکل ۲: توزیع درآمد واقعی و خواسته در حالت نرمال برای مطالعه جیسو (۱۹۹۹) | ۱۹۰
- شکل ۳: توزیع درآمد واقعی و خواسته در حالت واقعی برای مطالعه جیسو (۱۹۹۹) | ۱۹۰
- شکل ۴: نمودار تحلیل خرد از اصل برابری رالز | ۲۰۹
- شکل ۵: الگوی رشد حسابی درآمد خانواده‌ها | ۳۶۳
- شکل ۶: الگوی رشد هندسی درآمد خانواده‌ها | ۳۶۴
- شکل ۷: تمایز تابع توزیع درآمد واقعی و منصفانه | ۵۲۶
- شکل ۸: مسائل ناظر به مبانی فلسفی عدالت | ۶۱۸
- شکل ۹: مسائل ناظر به اقسام عدالت | ۶۲۹
- شکل ۱۰: دوگان‌های عدالت | ۶۳۵
- شکل ۱۱: مسائل حوزه روش‌شناسی عدالت پژوهی | ۶۴۷
- شکل ۱۲: مسائل ناظر به رابطه عدالت با سایر مفاهیم و ارزش‌ها | ۶۵۵
- شکل ۱۳: معارف مرتبط با عدالت و رابطه بین این دو | ۶۶۰
- شکل ۱۴: نظریه‌ها و مکاتب عدالت | ۶۶۶

فهرست جداول

- جدول ۱: جدول حالات توزیع در طرح نظریه رالز | ۱۹۸
- جدول ۲: بررسی اصل برابری در مصاف با اصل کارایی و تفاوت در نگاه رالز | ۲۳۹
- جدول ۳: تمایز نظریه‌های شایستگی از منظر جبر و اختیار | ۴۹۰

ناچیز است اما از جهت شکر نعمت...

تقدیم به روح ملکوتی و پرفقوح حضرت امام خمینی رحمته الله علیه احیاگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله؛

تقدیم به پرچم دار انقلاب عدالت محور اسلامی ایران، حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی؛

تقدیم به روح عالم مجاهد و پارسا، سیاستمدار صادق و انقلابی صریح حضرت آیت الله مهدوی کنی رحمته الله علیه؛

و تقدیم به مجاهد پارسا و عالم زاهد حضرت آیت الله باقری کنی مد ظله العالی.

با مشارکت:

دکتر عادل پیغامی؛ استادیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام.

دکتر سید مجتبی امامی؛ استادیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام و مدیر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

دکتر محمد نعمتی؛ استادیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام و معاون پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

دکتر سید جعفر حسینی؛ پژوهشگر مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

سید علیرضا سجادیه؛ دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری دانشگاه امام صادق علیه السلام و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

حسین سرآبادانی؛ دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری دانشگاه امام صادق علیه السلام و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

حمید ایزدبخش؛ دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق علیه السلام و عضو گروه اقتصاد پژوهشکده حکمت.

محمد صادق تراب‌زاده جهرمی؛ دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری دانشگاه امام صادق علیه السلام و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

و با تشکر از مشارکت آقایان فرهاد زنگنه، دکتر محمدعلی شجاعی فرد و دکتر حجت اله صادقی.

سخن مرکز رشد

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله تأسیس شد. اسلامیت نظامی که به گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام، و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است؛ و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام، و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با توشه‌ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله برچیده بودند، و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند، در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان، و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت، و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعلیم و آموزه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله که در سیره علمی، عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق علیه السلام با مقام معظم رهبری مد ظله العالی، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق علیه السلام در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری

دغدغه‌ها و به ثمر نشاندن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند، و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آنها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود، و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور، و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پریچ‌وخم‌پیش رو دارند؛ و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی‌برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه‌نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد؛ و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و با عجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تئو چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حل این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حل معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد، و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد. آنچه پیش‌روی شماست یکی از اولین کتبی است که ثمره شروع این مسیر پربرکت است. دو دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق علیه‌السلام که چند سالی است حوزه عدالت را وجهه همت خود قرار داده‌اند، یکی از ثمرات کوشش‌های خود را در این مجلد به داوری صاحب‌نظران و خوانندگان گذاشته‌اند. مسلماً این اثر تنها شروعی برای حرکت در افقی بلند خواهد بود. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام مشتاقانه منتظر نظرات و قضاوت‌های خوانندگان این مجموعه است تا بتواند آن‌ها را در حرکت‌ها و کوشش‌های بعدی، چراغ راه خود گرداند.

پیش‌گفتار

عدالت در زندگی بشر چه نقشی دارد؟

خاستگاه عدالت اجتماعی و منشأ ظهور عدالت در زندگی بشر چیست؟

چرا بشر به سمت عدالت اجتماعی رفته است؟

نسبت عدالت با سایر ارزش‌ها، خواست‌ها و مجموعه نیازهای انسانی چیست؟

چرا حکومت‌ها تحقق عدالت را همیشه به‌عنوان یکی از غایات خود معرفی می‌کنند؟

تأثیر و نقش دین در شکل‌دهی نظری و اقامه عملی عدالت چیست؟

عدالت اجتماعی همواره در کل تاریخ حیات بشر، از بزرگترین آرمان‌ها، مسائل و دغدغه‌های زندگی وی بوده است. از این‌رو همگان بر لزوم تأمین عدالت و مقابله ظلم و جور تأکید داشتند؛ اگرچه که این پرچم در مقاطعی به دست خود ظالمان و جائران نیز می‌افتاد. اما شعار عدالت، خواستی فراگیر، انسانی و همه‌جانبه بود. شاید هیچ‌کسی را در تاریخ نتوان یافت که مدعی ظالم بودن باشد. حتی ظالمان نیز خود را در زمره مدعیان عدالت می‌دانستند.

اما این مهم، در اسلام، اندیشه اسلامی و حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی جایگاهی ویژه به خود اختصاص داد. انقلاب اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حلقات زنجیره تلاش برای اقامه عدل شکل گرفت و یکی از اهداف اصلی خود را رفع ظلم و طاغوت و زمینه‌سازی برای حکومت عدل مهدوی قرار داده است.

«عدالت دغدغه‌ی همیشگی و تاریخی بشر بوده... لیکن نقش ادیان استثنائی است... در نظرات حکما و اندیشمندان، آن اهتمام ادیان مطلقاً مشاهده نمی‌شود.

اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید، آیه ۲۵). قطعاً این آیه حکم می‌کند بر این‌که هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بیّنات - یعنی حجت‌های متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران اراده می‌دهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنجه‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.

البته شکی نیست که قیام به قسط و همه‌ی آنچه که مربوط به زندگی دنیائی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه آن هدف خلقت است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، آیه ۵۶)؛ یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خداست. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، هدف نبوت‌ها و ارسال رسل است؛ که از جمله‌ی آن، آن چیزی است که این آیه به آن تصریح می‌کند. البته تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهداف ارسال رسل اشاره می‌کند، که این‌ها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است.

خصوصیت دیگر ادیان این است که انبیاء در طول تاریخ در کنار مظلومان قرار گرفته‌اند؛ یعنی برای عدالت عملاً پیکار کردند... در قرآن کریم تصریح شده که انبیاء با طواغیت مواجه‌اند، با مترفین مواجه‌اند، با ملأ مواجه‌اند؛ که همه‌ی این‌ها جزو طبقات ستمگرند... ﴿مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ (سبا، آیه ۳۴). هیچ پیغمبری نبوده که در مقابلش مترفین قرار نگیرند؛ یعنی پیغمبر با مترفین می‌جنگد. ملأ هم همین جور است. ملأ، آن اصحاب و دست‌اندرکاران قدرتمند. طاغوت هم یک معنای عامی است که شامل همه این‌ها می‌شود. بنابراین پیغمبران در معارضه بین ظالم و مظلوم، همیشه در طرف مظلوم قرار گرفتند؛ یعنی برای عدالت وارد میدان شدند و جنگیدند؛ این هم بی‌نظیر است. حکما در باره‌ی عدالت حرف زدند؛ اما خیلی اوقات مثل بسیاری از روشنفکران گوناگون حرف‌هایی می‌زنند، ولی در مقام عمل وارد میدان نمی‌شوند... انبیاء این جور نبودند؛ انبیاء وارد میدان می‌شدند، سینه سپر می‌کردند؛ حتی آن وقتی که مترفین به این‌ها می‌گفتند شما چرا طرفدار طبقات مظلوم هستید، از این‌ها جدا شوید، با این‌ها برخورد می‌کردند. آیه شریفه ﴿وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا﴾، (هود، آیه ۳۱) - که بیانگر پاسخ حضرت نوح به مخالفین خودش است - در همین زمینه است. بنابراین آن کسانی که از عدالت محروم بودند، اولین گروندگان به پیغمبران هم هستند.

نکته سوم این که همه ادیان متفقند در این که پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است. یعنی قاطعاً می‌گویند که یک دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود، که آن دوران استقرار دین کامل است. در دعای بعد از زیارت شریف آل یاسین آمده است: ﴿يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا﴾... همه انبیاء، همه ادیان، همه نبوت‌ها به این نهایت اشاره کردند، روی آن تأکید کردند، اصرار کردند و گفتند به سمت آن داریم حرکت می‌کنیم. پس در مبدأ، در مسیر و در منتها، نبوت‌ها تکیه‌شان بر روی عدل است.

در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل، در گفتمان‌های موضوعی و در زمان‌های مختلف

و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود. فرض کنید در دوران دفاع مقدس که هی می‌آمدند فشار می‌آوردند و شعار صلح را مطرح می‌کردند برای این‌که جمهوری اسلامی را از میدان خارج کنند، آنجا جمهوری اسلامی شعار «صلح عادلانه» را مطرح کرد. خب، صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جانی صلح خوب است، یک جانی صلح بد است، جنگ خوب است. اما عدالت این جور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه دغدغه‌های نظام از اول انقلاب بوده؛ در بخش اجرای عدالت، انصافاً کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی کننده نیست... آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این باید تلاش کرد». (بیانات مقام معظم رهبری در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷)

با توجه به این شعار مهم که همواره سرلوحه نهضت‌های اصلاحی و خصوصاً اسلامی بوده است، اما هنوز تا تحقق آن افق، فاصله چشمگیری احساس می‌شود. علیرغم دغدغه عدالت‌خواهی، هنوز عدالت‌پژوهی و پشتوانه نظری حوزه عدالت، از خلأهایی عظیم رنج می‌برد. اما همواره برای جبران کمبودها باید نگاهی به «داشته‌ها» و نظری به «نداشته‌ها» انداخت تا بتوان بر پایه اولی، دومی را تکمیل نمود. از این رو شمارش نیازها، نه از سر نامیدی بلکه مقدمه‌ای برای برنامه‌ریزی هدفمند، دقیق، شفاف و عملیاتی و بهره‌گیری از امکان‌های بالقوه فعلی است. پس بهتر است برخی از آن‌ها را با یکدیگر مرور کنیم تا تصویر اجمالی از این عرصه در ذهن شکل دهیم:

۱. پژوهشگاه یا پژوهشکده عدالت‌پژوهی
۲. دانشکده مطالعات عدالت
۳. گروه عدالت اجتماعی در یک دانشکده
۴. رشته عدالت‌پژوهی
۵. سرفصل و واحد درسی
۶. کتاب درسی آموزشی مناسب
۷. سیر مطالعاتی
۸. کارگاه آموزشی
۹. دوره آموزشی نظری عدالت‌پژوهی
۱۰. دوره آموزشی عملی اقامه عدل

۱۱. مجلات علمی
۱۲. جوایز علمی (پژوهش، ایده، پایان‌نامه، کتاب، مقاله، گزارش و....)
۱۳. نرم‌افزار بانک اطلاعاتی
۱۴. منبع‌شناسی
۱۵. مسئله‌شناسی و نظام مسائل
۱۶. روش‌شناسی
۱۷. نقشه پژوهشی
۱۸. نظریه عدالت مختار اجماعی
۱۹. توصیه‌های سیاستی به مدیران و سازمان‌ها
۲۰. شاخص‌های عدالت
۲۱. استانداردسازی
۲۲. جریان‌های فکری عدالت‌پژوهی
۲۳. نقد برنامه‌ها، مشکلات و مباحث روز از منظر و عنوان عدالت
۲۴. کانون تفکر و اندیشکده
۲۵. رصدخانه عدالت: رصد و پایش علم و عمل عدالت
۲۶. مرکز ارزشیابی عدالت محور خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عمومی
۲۷. پیوست عدالت خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عمومی (تلفیقی از پیوست انگیزشی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و ...)
۲۸. انجمن علمی عدالت‌پژوهی ایران
۲۹. نهادهای اسناددهی منابع علمی عدالت‌پژوهی
۳۰. کتابخانه تخصصی

سؤال اصلی پس از این دسته‌بندی این است که: چه باید کرد؟ از کجا باید شروع کرد؟ و.....
 طبیعی است که آگاه شدن به یک مسئله و شکل‌گیری دغدغه و درگیری ذهنی اولین گام برای حرکت‌های بعدی را شکل می‌دهند. از این‌رو از عده‌ای علاقمندان به این مسئله در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) ابتهای حرکتی علمی و تا حدی اقدامات عملی خود را در حد و وسع ناچیز خویش بر موضوع «عدالت» قرار دادند. اما باز هم سؤالات قبلی پابرجا ماندند. چرا که با وجود در اختیار بودن منابع عظیم و غنی دینی، هیچ نقشه حرکتی برای این امر وجود نداشت. تلاش‌هایی برای تنقیح مسیر حرکت صورت گرفت که باید به تدوین «مسئله‌شناسی عدالت» و «تدوین نقشه پژوهشی» منجر شود چون تمهید مقدمات حرکتی جریان‌ساز در

عرصه عدالت‌پژوهی ضروری به‌نظر می‌رسد.

هدف از تدوین این کتاب «تدوین نظام مسائل حوزه عدالت‌پژوهی» و در ادامه «طراحی نقشه پژوهشی» برای این حوزه مبتنی بر نظام مسائل مستخرج است. این کتاب، حاصل تدوین مباحث ۳۹ جلسه بحث و تبادل نظر به شیوه اقتراح و طی زمان ۹ ماه در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۱، پیرامون ابعاد مختلف مسئله عدالت اجتماعی و عدالت‌پژوهی است.

برای بحث و نظر لازم بود منبع یا منابع علمی معتبری محور قرار گیرند تا ضمن حفظ انسجام مباحث، دیدگاه‌های مختلف دیگر نیز مطرح و مورد بررسی قرار گیرند. متون مختلفی در عرصه عدالت و از منظرهای مختلف به رشته تحریر درآمده‌اند که هر کدام در مقام خود ارزشمند و درخور توجه‌اند اما دست‌یابی به مقاصد فوق مستلزم تحدید متن‌های مختلف و استفاده از یک متن اصلی بود. از این‌رو، مقاله‌ای با عنوان ذیل انتخاب شد:

«Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories»

مقاله حاضر متعلق به آقای جیمز کونو^۱ است که در شماره ۱۶ مجله *Journal of economic literature*^۲ در دسامبر ۲۰۰۳ و در ۵۱ صفحه (صص ۱۱۸۸-۱۲۳۹) چاپ شده است. این مقاله سعی دارد تا ضمن طرح و نقد مهم‌ترین نظریه‌های عدالت اجتماعی، با منطق طبقه‌بندی، به یک نظریه جامع‌ترکیبی دست یابد. از این‌رو، نویسنده خود بستر نقد نظریه‌های مختلفی را فراهم کرده است. متن مقاله محوری کتاب حاضر، غیر بومی است. این مقاله هم به‌نظریه‌ها، تعاریف و نقدشان پرداخته و هم به مسئله ادراک توجه جدی دارد. یکی از علل انتخاب این مقاله آن است که سعی شده تا ایده‌های بومی خود را در تلاقی با اندیشه غیر همسو، پیدا کنیم. از این‌رو، با نگاه انتقادی وارد متن شده و ایده‌های جدید طرح شده است.

شیوه برگزاری جلسات بدین صورت بود که ابتدا بخشی از مقاله کونو به‌عنوان محور بحث مورد مطالعه و بحث قرار می‌گرفت. شیوه بحث در کتاب همانند شیوه رایج حوزه، متن خوانی است. فضای بحث، در قالب گفتگو، هم‌اندیشی و مباحثه است و شرکت‌کنندگان، خود را اندیشمند حوزه اسلام و عدالت ندانسته و در پی هدایت دیگران نیستند. از مسیر نقد مقاله به‌صورت جمعی، ایده‌ها، نظرات و دلالت‌های مختلف برای نظام مسائل عدالت‌پژوهی بیان شدند. پس از برگزاری جلسات متعدد، نیاز و ضرورت تدوین و دسته‌بندی مطالب به‌طور مدون و مکتوب بیشتر احساس شد. بنابراین تصمیم به پیاده‌سازی و ویرایش مطالب جلسات گرفته شد. از این‌رو مطالب بیان شده، پیاده‌سازی، ویرایش اولیه و در قالب محورهای همان مقاله، تنظیم گردید.

۱. <http://hss.caltech.edu/~steve/justice.pdf>، گزیده آثار جیمز کونو در انتهای پیشگفتار خواهد آمد.
 ۲. نوع مقاله‌های این مجله، چنین است که غیر از طبقه‌بندی تولیدات سه ماهه قبل که نزدیک ۲۰۰ صفحه اول را شکل می‌دهد، ۴-۵ مقاله نسبتاً وزین و پرچشم را به خود اختصاص می‌دهد. در حوزه اقتصاد، اولین و بهترین نشریه اقتصادی است در حالی که جزو هیچ‌یک از طبقه‌بندی‌های مرسوم ISI و ... نیست. ولی بهترین مجله اقتصاددانان است و مقاله‌هایی که در آن چاپ می‌شود به دنبال تغییر مسیر دانش در اقتصاد است. این مقاله از این جهت مهم است.

اصلاحات و اضافاتی در خصوص مطالب مختلف، در خود متن یا به صورت پاورقی اعمال و در نهایت، مسائل مستخرج از مباحث نیز، در یک طبقه‌بندی، به انتهای کتاب افزوده شد.

❁ ساختار کلی کتاب

کتاب حاضر از پنج بخش و ۱۲ فصل تشکیل شده است. در ابتدا، مقدمه دکتر عادل پیغامی در خصوص عدالت اجتماعی و عدالت پژوهی طرح می‌شود. سپس متناسب با فصل‌بندی کونو از مقاله خویش، چهار بخش را پیش رو داریم (مقدمه، برابری و نیاز، مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه، شایستگی و تناسب). ساختار هر فصل نیز بدین گونه است:

۱. خلاصه دیدگاه نویسنده: ابتدا، خلاصه‌ای از نگاه و نظر نویسنده نسبت به هر فصل بیان می‌شود تا از این طریق، خواننده بتواند قبل از ورود به بحث، هم کلیت نگاه او را در یاد و هم با ورود به مباحث اقتراحی، سر رشته مطلب را از دست ندهد.
۲. مقدمه: سپس درآمدی بر یک یا برخی از موضوعات مطرح شده در هر فصل که جنبه پیش نیاز دارند، مطرح می‌شود. به علت تکثر مطالب، از فصل ۲ تا ۵، مطالب تکمیلی در ابتدای برخی از زیرفصل‌ها و نه در ابتدای هر فصل طرح شده‌اند.
۳. متن مباحثات: پس از دو بخش فوق، متن اصلاح شده جلسات اقتراحی قرار دارد. ضمن درج متن مورد بحث از مقاله و ترجمه آن، نقدها و نظرات ارائه شده نیز در این بخش جای گرفته‌اند. در ابتدای هر بحث نام گوینده ذکر شده است. این امر، امکانی فراهم می‌کند که مجموعه نگاه هر شخص مشخص شود. در مواردی که نامی ذکر نشده است، مطلب از دکتر پیغامی نقل می‌شود.
۴. سؤالات تمرینی: در انتهای هر فصل نیز سؤالات تمرینی برای مرور مباحث فصل قرار داده شده است.

در بخش آخر، مسئله‌شناسی عدالت اجتماعی و عدالت پژوهی را در دو محور خواهیم داشت: محور اول، دروسی است که شرکت‌کنندگان در بحث، آن‌ها را برای عدالت پژوهان ضروری دانسته‌اند. البته در این محور سعی بر جامعیت در تدوین دروس لازم برای عدالت پژوهی نبوده است. در محور دوم نیز، کلیه مسائل، پیشنهادات و محورهای پژوهشی استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند.

این کتاب، یک کتاب آموزشی نیست بلکه سعی دارد تا دید خواننده را نسبت به گستره موضوعی عدالت اجتماعی باز کند و ضمن اکتان اهمیت آن، ابعاد مختلف مسئله عدالت را خصوصاً در حوزه مباحث علوم انسانی اسلامی شناسایی و ارائه نماید. از این رو، خواننده باید با دید خوشه‌چینی و فهم گستره موضوعی وارد کتاب شود. مسائلی که در انتهای کتاب به صورت طبقه‌بندی شده ذکر شده‌اند، بعضاً موضوع یک کتاب هستند اما در کنار هم دیدن آن‌ها، نوعی نگاه به علوم انسانی را نیز بدست می‌دهد.

مباحث طرح شده، ترکیبی از مباحث و نگاه‌های رشته اقتصاد، مدیریت و دروس معارف اسلامی شامل فقه، اصول، منطق، کلام، فلسفه و اندیشه اسلامی است. لذا خواننده‌ای که آشنایی با مباحث فوق ندارد،

ممکن است با برخی از مباحث ارتباط درستی برقرار نکند. این امر به علت میان‌رشته‌ای بودن مسئله عدالت لابد منه است و لازم است تا مخاطب، تا حدی از گستردگی مطالعاتی برخوردار باشد. این عرصه، همواره در مظلومیت قرار داشته است و کسانی که در این عرصه ورود نموده‌اند به علت عدم تمرکز مطالعاتی و عدم تمرکز عمر علمی خود بر مسئله عدالت اجتماعی، نتوانسته‌اند عمق زیادی را بیمایند و راهگشای مسیر عدالت‌پژوهی باشند. از این رو، دست یاری خود را برای جریان‌سازی در حوزه عدالت‌پژوهی به سوی مخاطبین دراز می‌کنیم.

گروه تدوین کتاب - مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

۱۳۹۵/۲/۱۰

بیوگرافی جیمز کونورا در این سایت می‌توان مشاهده نمود: myweb.lmu.edu/jkonow. گزیده ای از آثار

وی در حوزه عدالت عبارتند از:

JUSTICE

“Just Luck: An Experimental Study of Risk Taking and Fairness,” with Alexander Cappelen, Erik Sørensen and Bertil Tungodden, 2012, forthcoming in the American Economic Review.

“Fair Air: Distributive Justice and Environmental Economics,” with Olof Johansson-Stenman, Environmental and Resource Economics, vol. 46, no. 2 (June), pp. 1472010, 166-.

“Is Fairness in the Eye of the Beholder? An Impartial Spectator Analysis of Justice,” Social Choice and Welfare, vol. 33, no. 1 (June), pp. 1012009, 127-.

“Morals and Mores? Experimental Evidence on Equity and Equality,” with Tatsuyoshi Saijo and Kenju Akai, 2009.

“Distributive Justice,” in the Encyclopedia of American Government and Civics, Michael A. Genovese and Lori C. Han, editors, New York: Facts-on-File, 2008.

“Blind Spots: The Effects of Information and Stakes on Fairness Bias and Dispersion,” Social Justice Research, vol. 18, no. 4 (December), pp. 3492005, 390-.

“Which Is the Fairest One of All?: A Positive Analysis of Justice Theories,” Journal of Economic Literature, vol. 41, no. 4 (December), pp. 11862003, 1237-.

“Fair and Square: The Four Sides of Distributive Justice,” Journal of Economic Behavior and Organization, vol. 46, no. 2 (October), pp. 1372001, 164-.

“Fair Shares: Accountability and Cognitive Dissonance in Allocation Decisions,” American Economic Review, vol. 90, no. 4 (September), pp. 10722000, 1091-.

“A Positive Theory of Economic Fairness,” Journal of Economic Behavior and Organization, vol. 31, no. 1 (October), pp. 131996, 35-.

APPINESS/ALTRUISM

“Mixed Feelings: Theories of and Evidence on Giving,” Journal of Public Economics, vol. 94, nos. 34- (April), pp. 2792010, 297-.

“The Hedonistic Paradox: Is Homo Economicus Happier?” with Joseph Earley, Journal of Public Economics, vol. 92, nos. 12- (February), pp. 12008, 33-.

“Happiness and Economics,” by Bruno Frey and Alois Stutzer, review in KYKLOS, vol. 56, no. 2 (May), pp. 2842003, 287-.

COOPERATION/ENVIRONMENTAL ECONOMICS

“Cooperation Is Relative: Income and Framing Effects with Public Goods,” with Kjell Arne Brekke and Karine Nyborg, 2012.

“Fair Air: Distributive Justice and Environmental Economics,” with Olof Johansson-Stenman, Environmental and Resource Economics, vol. 46, no. 2 (June), pp. 1472010, 166-.

IMPARTIALITY AND MORAL BIAS

“Is Fairness in the Eye of the Beholder? An Impartial Spectator Analysis of Justice,” Social Choice and Welfare, vol. 33, no. 1 (June), pp. 1012009, 127-.

“Social Preferences and Moral Biases,” with Rachel Croson, Journal of Economic Behavior and Organization, vol. 69, no. 3 (March), pp. 2012009, 212-.

“Adam Smith and the Modern Science of Ethics,” 2012.

“The Moral High Ground: An Experimental Study of Spectator Impartiality,” 2008.

“Blind Spots: The Effects of Information and Stakes on Fairness Bias and Dispersion,” Social Justice Research, vol. 18, no. 4 (December), pp. 3492005, 390-.

“Which Is the Fairest One of All?: A Positive Analysis of Justice Theories,” Journal of Economic Literature, vol. 41, no. 4 (December), pp. 11862003, 1237-.

“Fair Shares: Accountability and Cognitive Dissonance in Allocation Decisions,” American Economic Review, vol. 90, no. 4 (September), pp. 10722000, 1091-.

مقدمه^۱

عدالت مطلوب فطری و ذاتی همه انسان‌ها است. هیچ دسته، گروه و جریانی را نمی‌توان یافت که شعار خویش را برخلاف عدالت سر داده باشد. بنیادی‌ترین تعریف عدالت -وضع کل شیء فی موضعه- مساوق مقوله‌ای مثل نظم است. به همین دلیل بشر به لحاظ فطری، نظم را تمجید و بی‌نظمی را همیشه رد کرده است. پس نوعی رجحان و گرایش درونی و فطری نسبت به عدل وجود دارد اما ممکن است در مصادیق دچار اشتباه شود. به همین دلیل عدالت همیشه مورد سوءاستفاده کسانی قرار گرفته است که در ظاهر به دنبال عدالت بوده‌اند و در باطن و حق، ضد آن عمل کرده‌اند. عدالت در مقام توصیف، سخنرانی، بیان و شعار، همیشه جایگاه رفیعی داشته اما در مقام عمل، اجرا و اقامه، در همیشه تاریخ، کم‌رنگ بوده است. «فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ» (نهج البلاغه للصبحی صالح: ۳۳۳).

عدالت، به لحاظ هستی‌شناسی، مساوق نظم تمامی کائنات و تمامی ساختارهای تکوینی عالم است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن/۷). آسمان‌ها، زمین و تکوین مبتنی بر عدل آفریده شده‌اند. از این جهت، اساساً دنیا بر سبیل نظم است. آن بخش از دنیا نیز که ممکن است با مطلوب‌های انسانی در تعارض باشد، باید بر سبیل عدل درآید. انسان در مواجهه با حالت بی‌نظمی سعی می‌کند آن را به حالت نظم درآورد. فرض هستی‌شناسانه انسان‌ها آن است که کارکردها و رفع نیازهای واقعی در نظم صورت می‌گیرند. آنچه در دنیا و کائنات در حال چرخش و گردش است براساس نظم پیش می‌رود. به همین دلیل انسان نگران نیست که در تابستان، میوه تابستانه نباشد چون نظمی در عالم وجود دارد. مطمئن است که آفتاب فردا صبح نیز طلوع خواهد کرد. این فرض هستی‌شناسانه روزمره انسان‌هاست که با آن زندگی می‌کنند.

از سوی دیگر، اگر به نظم در اشیاء توجه شود، پایه‌های زیبایی‌شناختی عدل مشاهده می‌شود. انسان در مواجهه با وضعیت توأم با نظم و عدل، احساس آرامش کرده و لذت می‌برد چون با گرایشات فطری وی، همسوست. انسان حس زیبایی‌شناختی دارد.

در ابعاد تکلیف‌شناختی عدل، مسئله کمی بغرنج‌تر می‌شود. کائنات مبتنی بر عدل هستند. دنیای انسانی

۱. این مقدمه، متن پیاده شده مصاحبه‌ای یک ساعته با دکتر عادل پیغامی است که پس از پیاده‌سازی و ویرایش، بدین صورت نگاشته شده است.

نیز باید مبتنی بر عدل باشد. هم ندای فطرت چنین طلب می‌کند و هم ربوبیت تشریحی صادر شده از ناحیه الهی که در قالب دین برای انسان‌ها ارسال شده است، ندای مبتنی بر اقامه عدل سر می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). چون انسان خلیفه خداست، مکلف به اقامه قسط، هم در ساحت وجود خویش و هم در ساحت دیگران است. برای خلیفه شدن، خداوند به وی اختیار و آزادی داده است. اراده و تصمیم انسان است که اجازه می‌یابد تعیین‌کننده مسیرهایی باشد که می‌توانند محقق شوند. اختیار، آزادی و اراده، لازمه خلیفه الهی است اما برخی انسان‌ها از دایره خلافت الهی خارج می‌شوند، مسیر را به سمت ظلم پیش می‌برند و به جای عادل شدن، ظالم می‌شوند.

به لحاظ هستی‌شناختی، تکلیف‌شناختی، معرفت‌شناختی و ... سؤالات جدی و اساسی شروع می‌شود. مهم‌ترین چیزی که عقل و نقل، در یک کلمه دین به انسان یاد می‌دهد، این است که «ای انسان، تو هم جزئی از کائنات هستی. کل کائنات بر سبیل عدل و نظم است. تو چرا نیستی؟ همه در حال تلاشند، تو چرا تلاش نمی‌کنی؟ همه در حال انجام یک وظیفه هستند، تو چرا نباشی؟» مرحوم آیت‌الله مهدوی می‌فرمودند: لا عطله فی الوجود. همه در حال کارند. این نکته، پیام بزرگی است. تمام ذرات عالم توصیه به عدل می‌کنند. از این توصیف، توصیه‌هایی بدست می‌آید. قرآن می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن/۷-۹). این تصور و تصدیق که آسمان‌ها، مبتنی بر میزان و عدل بر پا داشته شده‌اند، نشانگر آن است که از مسیر عدل و قاعده‌های مبتنی بر عدل، نباید طغیان کرد و حد را نباید گذراند. در واقع بعد تکلیف‌شناختی اهمیت پیدا می‌کند. وقتی عالم مبتنی بر نظم است، به تعبیر امام موسی صدر، باید با کاروان هستی، همراه شد. اگر انسان با کوچک‌ترین ذرات فعال در دورترین نقاط کهکشان، همسو باشد، احتمالاً هم‌افزا خواهد بود. اما اگر ضد آن‌ها کار کند، احتمالاً جایی با او تعارض خواهد داشت چون مسیر او با مسیر جهان متفاوت می‌شود. این جهان بینی را عقل و نقل به انسان می‌دهند که هر دو از منابع اصلی شناخت دین هستند.

چالش اصلی در ابعاد معرفت‌شناختی، شناخت مصادیق است. فهم این‌که چه چیزی انسان را به عدل نزدیک و چه چیزی از عدل دور می‌کند، دشوار است. با استفاده از عقل تا حدی، خصوصاً در کلیات، با تجربه و خطا، آزمون و هزینه‌هایی که بر بشر بار می‌شود می‌توان بخشی از مصادیق را شناسایی کرد اما این روش، هزینه زیادی در بردارد. دین در دست‌یابی انسان به راه‌ها، شیوه‌ها، مصادیق عدل و هر آن چیزی که ضد عدل است نقش اساسی ایفا می‌کند. هیچ حرکت اصیل عدالت خواهی را نمی‌توان تصور کرد مگر این‌که دین پشت آن باشد. عدل با خودخواهی و خودپرستی جمع نمی‌شود. خروج از دایره دین، قطعاً خودخواهی به دنبال خواهد داشت. با خروج از دایره الهی که الله است، حتماً اله‌ها و انگیزه‌های دیگری حاکم خواهند

شد و مهم‌ترین انگیزه، انگیزه خودخواهی است: چه خود فردی و چه خود جمعی. تنها محوری که می‌توان بین انگیزه و محرکه درونی (اله) با اله اصلی و حب ذات (به‌عنوان یک نعمت و چراغ هدایت در وجود خود)، جمع کرد دین است. دین این امکان را می‌دهد که بین کرامت حب ذات و مقام قدس الهی و وجود مطلق، جمع شود. عدل در این فضا، بدون دین اساساً ممکن نیست. آن جهان‌بینی که در ابتدا بیان شد، بدون دین ممکن نیست. عقل به این جهان‌بینی نمی‌رسد. بدون ملاحظه جریان‌های به نام حکمت خالق، فلسفه آفرینش، غایت‌مندی و غایت‌شناسی که از دین اخذ می‌شود، رسیدن به این جهان‌بینی ممکن نیست. پس عدالت‌پژوهی و اجرای عدالت - چه این‌که لیقوم الناس بالقسط به این معنا که مردم را برپا داریم تا عدالت‌خواه شوند، چه این‌که عدالت را به نحوی مردمی برپا داریم - بدون دین ممکن نیست. بدون انسانی آسمانی به نام ولی ممکن نیست. منتها به این مفهوم نیست که عده‌ای مطالعه و کار علمی نکنند. دین اصولی را بیان و هدایت‌هایی کرده است اما جامعه‌سازی مبتنی بر عدل، مدیریت انسان و شئون وی مبتنی بر عدل، نیازمند کار علمی است. از این رو عدالت‌پژوهی یک مأموریت جدی است.

عدم شکل‌گیری جریان‌های عدالت‌پژوهی، یکی از نقص‌های مهم انقلاب اسلامی ایران است. اساساً انقلاب اسلامی بدون عدالت‌پژوهی معنا ندارد. عدالت چیزی است که مقام معظم رهبری در طلیعه دهه چهارم بر آن تأکید کردند. نباید فراموش کرد که برخی مواقع، جریان‌های با پرچم و علم عدالت، عدالت را در عرض سایر امور می‌بینند. اگر انواع رشته‌های علوم انسانی مشاهده می‌شود، اشکالی نیست که رشته‌ای در عرض آن‌ها به نام عدالت‌پژوهی وجود داشته باشد. طبیعتاً در این رشته، مباحث تعاریف، مکاتب، فلسفه عدالت و... مطالعه می‌شوند اما نباید فراموش کرد که تأسیس چنین رشته‌ای، به مفهوم این نیست که عدالت حیظه‌ای جدا از سایر حیظه‌ها و حوزه‌های علوم انسانی و در عرض آن‌هاست. تمرکز رشته‌ای به خاطر یک انتخاب تعلیم و تربیتی است و به مفهوم تمایز حیظه‌ای و عرصه‌ای نیست. عدالت حاکم بر همه عرصه‌های انسانی است. هر جا قرار است رابطه‌ای بین انسان و انسان دیگری شکل گیرد، عدالت معنا خواهد داشت. لذا باید عدالت حاکم بر همه رشته‌های علوم انسانی در کشور شود. تک تک رشته‌ها و تک تک درس رشته‌ها، باید موضع خود را نسبت به مقوله عدالت بیان کنند. باید در تمام صفحه صفحه اقتصاد خرد، عدالت جریان پیدا کند و دارد. کسی که اقتصاد کلان می‌خواند نیز باید روح عدالت را ببیند. کسی که اقتصاد بخش عمومی، بانکداری و... می‌خواند باید عدالت بخواند. نمی‌توان موضوعات را تفکیک کرد که مثلاً در حوزه پول، سؤال از عدالت نیست. اساساً این جمله بی‌معناست. در هر دو زمینه کم‌کاری شده است: در ورود عام عدالت به سرفصل‌های علوم انسانی و در ورود خاص عدالت به مثابه یک جریان مطالعاتی چند رشته‌ای و میان رشته‌ای برای مسائل بنیادین و خاص عدالت. با حل این مسائل بنیادین، سایر رشته‌های علوم انسانی نیز ریزه‌خواری خواهند کرد.

این که عدالت همه ابعاد زندگی بشر را در بر گرفته و جریان کلی عدالت حاکم بر همه ابعاد زندگی بشر، موجب نمی‌شود که عدالت پژوهی از کارکرد بیفتد؟ خیر. هر کسی در هر سوالی، باید پاسخی مبتنی بر عدل دهد. این پاسخ نمی‌تواند ناسازگار با موازین عدل باشد.

در گذر از مباحث کلان و اساسی عدالت، در شاخ و برگ‌های فرعی نیز مشکلاتی وجود دارد. به طور مثال مرکز آمار در مترهای خود نسبت به عدالت، نابرابری و ظلم، هیچ نوع داشبورد و مجموعه شاخصی ندارد. اشتباه است که در برنامه‌های توسعه ۵ ساله، در کنار فصل انرژی و...، فصلی به نام عدالت باز شود. عدالت میزان همه بخش‌هاست. پس این قبیل ورودها اشتباه است. در مقام مطالعه می‌توان اندیشکده، گروه، برنامه مطالعاتی عدالت و... داشت اما در مقام عمل، چنین چیزی وجود ندارد.

اشکال دیگر آن است که عدالت از شدت ظهور، مشاهده نمی‌شود. گاهی فراموش کرده و غفلت شده که مأموریت اصلی انقلاب اسلامی، اقامه عدل بوده و گاهی اشکالات دیگری رخ داده است. مثلاً عدل، مقوله‌ای همگن فرض شده و نظریه عدل در حوزه انرژی، کشاورزی و... یکی دانسته شده است. عدالت ظرفی بسیار بزرگ است و حسب موضوعات، اقتضانات، آن موضوع را مدیریت و تدبیر می‌کند. عدالت پایه همه حکمت عملی است. اگر معیار حکمت نظری، صدق و کذب باشد، معیار حکمت عملی، عدل و ظلم است. منتها این معیار نمی‌تواند همه جا یکی باشد. با یک ابزار نمی‌توان همه پیچ‌ها را باز کرد. همگن سازی عدالت، فرصت‌های مطالعاتی بسیاری را از پیش رو برداشته و اجازه نداده است که باب‌های جدیدی باز شود. اصل مشکل، جایی است که مسئله محور نبوده و پایه‌ای‌تر آن که هرگز به کرامت ذاتی انسان توجه نشده است. اگر ایمان واقعی به کرامت انسان و قداست خدا، خلیفه خدا و تکوین خدا وجود داشته باشد، نسبت به مقوله عدالت نمی‌توان بی تفاوت بود.

قداست ذاتی با خداست. اصالت با توحید است: توحید در خالقیت، ربوبیت تکوینی و تشریحی. خداوند، خود عدل و قسط و منشأ همه ارزش‌های بنیادین انسانی است. مفهوم خدا را نمی‌توان با مفهوم ظالم جمع کرد. خداوند ذاتاً عادل است و خدای ظالم معنا ندارد. ربوبیت تکوینی خداوند عادل اقتضاء می‌کند عالم براساس عدل و میزان، خلق و اداره شود. در حوزه انسانی نیز عدالت ساری و جاری است. انسان را باید بر موازین عدل، سوق داد. سوق دادن، به اعمال ربوبیت تشریحی است. خداوند در مقام اعمال ربوبیت تشریحی به جانشین نیاز دارد. خلیفه خدا، جانشین خدا در تحقق اراده خداست. انسان چون خلیفه و جانشین خداست کرامت ذاتی دارد. کار او تا زمانی که در مسیر خلافت است، قداست پیدا می‌کند. نوع بشر خلیفه خداست نه صرف تک انسان. مصادیقی از انسان‌های برتر مخلوق، حجج الهی و اولیاء الهی هستند که خلیفه خدایند. اما نوع بشر نیز خلیفه خداست. به همین دلیل، در آخرالزمان، به هویت جمعی برتر انسان‌ها خواهیم رسید که بروز تام خلیفه الهی است. در نوع، آغاز، پایان و هم در مصادیق برتر، خلیفه

الهی مشاهده می‌شود. جانشین خدا نمی‌تواند خلاف خواست خدا عمل کند. به همین دلیل است که عدل پایه همه برنامه‌های اوست. او نیز کرامت ذاتی دارد. اساساً مأمور خدمت به دیگران و عیال الله است. تک تک انسان‌ها، نسبت به دیگران که عیال الله هستند، خلیفه خدا و مأمور خدمت به دیگرانند. پس به تعبیری انسان در خدمت دین نیست بلکه دین در خدمت انسان خواهد بود. به تعبیر امام موسی صدر^۱، ادیان در خدمت انسان هستند. اساساً ادیان برای چه آمدند؟ جز این که برای انسان خدمت کنند؟ خدمت انسان چیست؟ قرار دادن وی در مسیر عدل و خداگونه کردن او. العبودیه جوهره کنه‌ها الربوبیه^۲. عبودیت برای چیست؟ برای این که انسان به کرامت ذاتی خویش بازگردد. تمام آسمان و زمین برای این هدف و برای عدالت خلق شده‌اند. منتها لازمه این امر، داشتن خلیفه الله است؛ خلیفه‌ای که آزاد باشد. دعوی بین آزادی و عدالت که کدام یک از این دو، پایه است، دعوی ساختگی بوده و تعارضی بین این دو نیست. یکی از مقوله هدف و مأموریت است و دیگری واسطه رسیدن به هدف. اگر خداوند به جای ارسال رسل انسانی، فرشتگانی را فرستاده بود، امکان برقراری عدالت بین بشر وجود نداشت. چون عدالتی که قرار است روی زمین پیاده شود، عدالتی است مستخرج از مسیر اختیار و اراده. دنیا، دنیای تراحم، خیر و شر و... است. این دنیا فقط انسان با اراده و اختیار را می‌پذیرد. از این رو، آزادی اصل است. آزادی شرط است و تعارضی با عدالت ندارد. بلکه تحقق عدالت بدون آزادی ممکن نیست. عدالت مأموریتی است که با آزادی معنا پیدا می‌کند. اگر خداوند عادل مطلق است به این دلیل است که آزاد مطلق است. محدودیت داشتن با عدالت معنا ندارد. انسان خلیفه و جانشین خداست نه وکیل خدا. کارگزار مختارست نه کارگزار دست بسته. پس آزادی در انسان‌شناسی اسلامی بسیار متین و دارای ارزش است. به تعبیری می‌توان ادعا کرد که اومانیزم حقیقی و لیبرالیسم واقعی را در اسلام باید جست. اومانیزم و لیبرالیسم غربی کاملاً دروغین است. آن‌ها خود را به صفت‌های اصیل اسلام متصل و ظاهرسازی کرده‌اند و دیگران را فریب می‌دهند. آزادی واقعی در خلیفه الهی خدا معنا پیدا می‌کند. اگر کسی خلیفه خدا نباشد، خلیفه چه کسی می‌خواهد باشد؟ خلیفه خود؟ خلیفه خود یعنی در بند خود بودن. اما کسی که در بند وجود مطلق است، اساساً بندی ندارد و محدودیتی بر آن نیست. این همان آزادی اصیل است. کسی که خلیفه خدا بودن را پذیرفته است، اصالت انسان را پذیرفته است.

کرامت ذاتی انسان که خلیفه الهی، آزادی اصیل، تام و مطلق را اقتضا می‌کند، لازمه حرکت انسان به سمت عدالت، لازمه پیوستن به کاروان هستی و لازمه تحقق و اجرای خواسته‌های خدا بر روی زمین است. عدم توجه به این نکته، سرمنشأ تمام مشکلات بعدی است؛ چه جایی که از خدمت کردن به عیال الله غفلت می‌شود و چه آن جایی که از دین تفسیر نادرست می‌شود. پنداشته می‌شود که دین برای محدود ساختن آمده

۱. صدر، سید موسی (۱۳۸۴)، ادیان در خدمت انسان، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
 ۲. قال الصادق علیه السلام: العبودیه جوهره کنهها الربوبیه، فما فقد من (فی) العبودیه وجد فی الربوبیه، و ما خفی عن الربوبیه اصیب فی العبودیه. مصباح الشریعه / ترجمه مصطفوی، متن، ص: ۴۵۳.

است و ندیدن نیازهای واقعی انسان. همه بشر به صورت فطری به سمت نظم و عدالت پیش می‌روند. کسی که رشوه می‌گیرد، رشوه را حق خود می‌داند. او می‌پندارد که کائنات به ناحق می‌خواهند این لقمه حرام (به پندار وی حلال)، به او نرسد. دین هم مانع جدیدی شده است. به همین دلیل، ضد نظم عالم و ضد دین عمل می‌کند چون می‌خواهد به عدل نزدیک شود. منویات و مشتبهات بشر نمی‌تواند ضد عدل باشد. الگوریتم درونی بشر این گونه است منتها در مصادیق اشتباه می‌کند. اما چه کسی باعث شده که این فرد، دین را ضد نیازهای واقعی، ضد منافع خود و ضد عدل بداند؟ تفسیر اشتباه دین‌داران از دین که هم در بعد تبلیغ و بیان ظهور دارد و هم در عمل دین‌داران.

در هر صورت اقامه عدالت، یک حرکت مردمی است: ليقوم الناس بالقسط. چون مردمی است، بدون فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر نیست. بدون آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی چنین حرکتی رخ نمی‌دهد. بدون آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم، اقامه عدل ممکن نیست. علی علیه السلام مجسمه عدل و عدالت خواهی است ولی چون بستر مردمی در حوزه آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی کافی نبود نتوانست عدل را به خوبی بر پا کند و قتل فی محرابه لثده عدله^۱. اتفاقاً عدل باعث حذف ایشان شد چون بستر جامعه عدل، وی را نمی‌پذیرد. از آن‌جا که پایه بحث در اقامه عدل، مردمی و با همراهی مردم است، نمی‌توان نسبت به دوگان عین و ذهن در این مسئله بی‌تفاوت بود. اجرای عدل، یک وجه عدالت است و ادراک عادلانه بودن آن عمل، وجه دیگری است. چه بسا جامعه عادلانی وجود داشته اما ادراک مردم خلاف آن باشد. علی علیه السلام مجسمه عدل بود اما بخشی از جهان اسلام وی را عادل ندانستند. چه جایی که آن‌ها را به جنگ برد و چه جایی که تن به صلح داد و چه جایی که نقض پیمان نکرد. ادراک مردم، عدالت علی علیه السلام را نمی‌پذیرفت. پس ادراک‌سنجی و شناخت ادراک مردم از عادلانه بودن امور، ضروری است. اگر نتوان یک زبان و مفاهیم مشترک در مقوله عدل، بین مردم با خودشان، بین مردم با نخبگان و مردم با دین، ایجاد کرد، پروژه‌های اجرای عدالت قطعاً به شکست می‌انجامد. چون اقامه‌کننده عدالت بر مسیری پیش می‌رود که مردم آن را عدل نمی‌دانند و بنابراین مشارکت نمی‌کنند. ليقوم الناس بالقسط ناظر به همراهی ولی با مردم است؛ نه این‌که هر چه مردم بگویند، بگویند درست است بلکه با مردم باید برای مردم بود. یکی از مزیت‌های این کتاب، تأکید جدی متن مقاله، بر گستره مفاهیم البته در بستر ادراکات مردم است. این امر، مخالف نسبی‌گرایی است که هر چه مردم گفتند همان درست است. تعریف عدل، به ادراک مردم سپرده نمی‌شود اما تطابق بین نگاه دین به عدالت و ادراک مردم از عدالت نیز مهم است.

این کتاب اساساً در مقام سؤال و نه ارائه پاسخ است پس در پاسخ‌ها، امکان خطا وجود دارد. این کتاب سعی دارد تا زمینه نقد و نظر فراهم شود و منتقدان خود را بیابد. خواننده مباحث بیش از آن‌که به پاسخ‌ها

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، بیست گفتار، تهران: صدرا، ص ۲۷.

توجه کند، باید به گستره سؤالات و مسائل مطرح شده التفات داشته باشد. در این کتاب می‌خواهیم بدانیم چه نمی‌دانیم. پس ابتدا باید از جهل مرکب خارج شد. مرور بر پاسخ‌ها نیز نوعی مرور بر گستره است. اما جواب نهایی قطعاً در جای دیگری باید به دست آید.

امید است در این مجموعه، افرادی که به عدالت علاقمند هستند با ادبیات آن آشتی پیدا کنند. جریان عدالت‌خواهی به جریان عدالت‌پژوهی و عدالت‌خوانی نزدیک شود. دانشجویان علوم انسانی خود را از سؤال عدالت دور نینند. مثال‌های خوبی که در این کتاب می‌آید، نشان‌دهنده آنند که کوچکترین انتخاب‌ها و سؤالات در زندگی بشر، سؤال از عدالت نیز هستند. سؤالات این کتاب، اندیشمندان و بزرگان معارف اسلامی را به جواب فرا می‌خواند. کسانی که مدعی‌اند اسلام برای همه سؤالات پاسخ دارد، لازم است اهالی علوم انسانی را در این زمینه یاری کنند. عدالت‌پژوهان، اکنون در بیابان تحیر به سر می‌برند و نیازمند ریزه‌خواری از سفره معارف اسلامی هستند. سؤالات طرح شده، معمولاً سؤالاتی ساده هستند که جواب‌هایی سخت دارند. علما باید این سؤالات فرضی را همان‌گونه که علمای سلف، سؤالات فرضی را محور بسیاری از تحلیل‌های خود قرار می‌دادند تا برای پاسخگویی به سؤالات واقعی آماده شوند، بررسی کنند، ابعاد مختلف را تحلیل کنند و پاسخ معصوم برای اکنون ما را بیابند. این سؤالات، پایه اغلب رشته‌های علوم انسانی است.

اگر اندیشمندان دینی با تکیه بر مباحثی که تاکنون به صورت گسترده و دقیق به آن‌ها پرداخته‌اند، به سراغ مسائل این حوزه و مسائل حوزه عمل اجتماعی روند، به نظر می‌رسد جهشی در اندیشه دینی اتفاق می‌افتد و از سکولار شدن حوزه‌ها که مقام معظم رهبری فرمودند پرهیز می‌شود.

برای تحقق عدالت، چاره‌ای جز طرح مباحث بنیادین نیست. بدون این فلسفه‌ها، نظریه و تعاریف نمی‌توان کاری پیش برد. رفتن به سمت نظریه‌ها به دو صورت ممکن است: یکی با فراموش کردن یتیم و مسکین (مسئله واقعی)؛ یکی با دغدغه یتیم و مسکین. فرق بین این دو، همان مسئله‌محوری است که اگر نباشد، بحث از عدالت بیشتر جنبه تخیلی خواهد داشت و فایده‌ای ندارد. بنابراین در این کتاب سعی بر آن است تا در جای‌جای مباحث نظری، جنبه کاربردی نیز لحاظ شود. امید است این قبیل مباحثات در بین اهالی علوم انسانی بیش از پیش در گرفته و تبدیل به یک سنت حسنه در دانشگاه‌ها شود.

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۱۹.

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۰۶/۱۷.